

## پژوهشی در طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و تحلیل نقش عوامل موثر در شکل‌گیری معماری صخره‌ای منطقه بختیاری

سعید بابامیرساطحی\*

زهرا طاهرزاده\*\*

### چکیده

منطقه بختیاری به دلیل وجود رشته کوه‌های زاگرس و دارا بودن ویژگی‌های محیطی مستعد از دوران پیش از تاریخ محل شکل‌گیری اجتماعات بشری بوده، که این موضوع با کاوش‌های باستان‌شناختی مشخص گردید، یکی از مواردی که در شناخت روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های اولیه و همچنین اولین اجتماعات روستائینی در این منطقه می‌تواند راهگشای محققان باشد مطالعه و بررسی روشمند و علمی معماری صخره‌ای منطقه بختیاری است. معماری صخره‌ای (دستکند) یکی از پایدارترین یافته‌های باستان‌شناختی است که با مطالعه جامع آن بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، آئینی و زیست بوم زندگی انسان مشخص می‌شود و این مهم با ارائه توصیف، طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و در نهایت تجزیه و تحلیل علمی میسر می‌شود. هدف ما در این نوشتار بررسی عوامل مهم و تاثیرگذار در شکل‌گیری معماری صخره‌ای منطقه بختیاری و همچنین ارائه یک گونه‌شناسی و طبقه‌بندی علمی در خصوص این سازه‌های صخره‌ای است. روش بکار گرفته شده در این پژوهش تلفیقی از میدانی و کتابخانه‌ای است، بگونه‌ای که با استفاده از مطالعات میدانی برخی از آثار معماری صخره‌ای شهرستان لردگان، لالی، کوه‌رنگ،

---

\* دکترای باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بابلسر مازندران. ایران

saedbabamir@gmail.com

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران. ایران.

@gmail.com ۱۹۹۵zahrataherzadeh

بازفت، اردل و مسجد سلیمان مورد بازدید قرار گرفتند و با رجوع به متون و اسناد موجود در مورد این سازه‌ها کارکردهایی که برای این فضاها در نظر گرفته شد را استخراج نموده و در ادامه با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس مفهوم کارکردی متصور برای این فضاهای معماری آن‌ها را در قالب گونه‌های مختلف: ۱- آئینی- مذهبی ۲- استقراری- مسکونی ۳- حفاظتی و پناهگاهی ۴- انباری- ذخیره دسته‌بندی کردیم.

کلیدواژه‌ها: طبقه‌بندی، گونه‌شناسی، معماری صخره‌ای، بختیاری

## ۱- مقدمه

بشر اولیه به زندگی غارنشینی و استفاده از حفره‌ها و شکاف طبیعی کوه‌ها می‌پرداخت و با آغاز دوره هولوسن و ایجاد تغییرات آب‌وهوایی انسان به صورت تدریجی به مناطق کم ارتفاع و دشت‌ها روی آورد، این تغییرات صورت گرفته در سبک و شیوه زندگی کاملاً تدریجی بود. انسان پیش‌ازتاریخ ابتدا باتوجه به تماس و شناخت ایجاد شده‌ای که بر اثر زندگی در غارهای طبیعی کسب نمود با روش‌های مختلفی براساس نیازهای خود در بستر طبیعی و صخره‌ای کوه‌های اطراف معماری صخره‌ای که نتیجه جدال انسان با طبیعت است را به وجود آورد. این نوع معماری در مناطق بسیاری از سرزمین کنونی ایران و مناطق همجوار وجود دارد که در هرکدام از این نواحی باتوجه به زیست بوم و دیگر مسائل مانند وضعیت اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژی دارای ویژگی‌های مختص به خود هستند. با مطالعه معماری صخره‌ای می‌توانیم جنبه‌های تاریک زندگی انسان در گذر تاریخ را روشن سازیم، بدون شک این نوع معماری بازگو کننده بخشی از عقاید مذهبی، اعتقادی، معیشتی و ساختار اجتماعی زندگی انسان است و ریشه در فرهنگ و سنت و زیست بوم هر منطقه دارد. منطقه بختیاری با توجه به وجود کوه‌های زاگرس و فراوانی منابع سنگی یکی از مناطق مستعد حضور انسان در فضاهای صخره‌ای در دوران مختلف زندگی بشری است. باتوجه به نتایج حاصل از مطالعات باستان‌شناختی استفاده انسان از بستر صخره‌ای کوه‌ها در بسیاری از نقاط کوه‌های

زاگرس اثبات گردیده و این موضوع بیانگر اهمیت فراوان این منطقه در مطالعه روند تدریجی تغییر سکونتگاه‌های صخره‌ای به معماری معمولی و استفاده از بستر مسطح زمین و ایجاد روستاهای اولیه است.

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی به طرق گوناگونی در علوم مختلف جهت هدفمند نمودن مطالعات مورد استفاده قرار می‌گیرد و محققان حوزه باستان‌شناسی و معماری نیز جهت یکپارچه و ساماندهی نمودن یافته‌های حاصل از کاوش و بررسی‌های میدانی ناگزیر به استفاده از این تکنیک هستند. فضاهای ایجاد شده در صخره‌ها و همچنین مواد فرهنگی حاصل از کاوش و بررسی‌های باستان‌شناختی می‌تواند در روشن نمودن نقاط تاریک جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی انسان پیش از تاریخ راهگشای باستان‌شناسان باشد و این مهم با رویکردهای علمی و هدفمند امکان‌پذیر است. یکی از مواردی که در شناخت بهتر و دقیق‌تر یافته‌های باستانی به ما کمک می‌کند، ایجاد یک طبقه‌بندی و گونه‌شناسی علمی است، برای درک بهتر مفهوم کارکردی هر کدام از سازه‌های ایجاد شده در بستر طبیعی صخره‌ها و کوه‌ها، ابتدا باید عوامل موثر در شکل‌گیری این فضاها شناسایی شوند و سپس براساس شباهت‌هایی که از نظر بافت کالبدی و ساختاری دارند تحت عنوان یک گونه مشترک طبقه‌بندی شوند. در این پژوهش به جهت ایجاد یک رویه علمی و مشخص هرگونه تغییر و دخل و تصرف (ایجاد فضاهای معماری) در بستر طبیعی کوه‌ها و صخره‌ها را تحت عنوان معماری صخره‌ای معرفی می‌نماییم.

## ۲- پرسش‌های پژوهش

با وجود حجم زیادی از معماری صخره‌ای در منطقه بختیاری سه سوال به ذهن متبادر می‌شود:

۱- مؤلفه‌های تاثیرگذار در طبقه‌بندی و گونه‌شناسی و معماری بختیاری کدامند و این مؤلفه‌ها چگونه در شناخت ماهیت و مفهوم کارکردی این آثار می‌تواند راهگشا باشد؟

۲- گونه‌های موجود در معماری صخره‌ای منطقه بختیاری کدامند و تزیینات این آثار شامل چه مواردی است؟

### ۳- پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر حجم مطالعات مربوط به معماری صخره‌ای رشد فزاینده‌ای داشته و پژوهشگران ایرانی و خارجی با درک اهمیت والای این نوع معماری تحقیقات جامع و کاملی در این زمینه انجام داده‌اند. فضاهای معماری صخره‌ای تقریباً در تمامی نقاط کشور ایران وجود دارند و محققان به معرفی، توصیف، گونه‌شناسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها در قالب یادداشت تخصصی، مقاله، پایان‌نامه و رساله پرداختند. پژوهش‌هایی که محققان خارجی در خصوص معماری صخره‌ای انجام دادند، از نظر شکلی و محتوایی دارای اشکالات فراوانی است که پرداختن به آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است. غربیان با دیدگاه خود هر فضایی را که در صخره‌ها کنده شده است معمولاً مقبره نامیده‌اند و در موارد جزئی بعضی را نیز معبد توصیف کرده‌اند که ناشی از ضعف بینش و نقص اطلاعاتشان در مورد فرهنگ شرقی به ویژه اسلامی است و بیشتر محققان غربی به دلیل عدم توانایی در استفاده از متون اسلامی و آشنایی مختصر وضعیت پیرامون فرهنگ و تمدن اسلامی چنین اظهاراتی را بیان کرده‌اند (محمدی‌فر و همتی، ۱۳۹۵: ۱۰۳) که این مسئله در اکثر امور مطالعاتی آن‌ها به چشم می‌خورد. از ضعف‌های مطالعات محققان در مورد آثار صخره‌ای ایران آن است که همه آثار را مقبره به حساب آورده‌اند و در مواردی که هیچ عقل سلیمی آن را به عنوان مقبره نمی‌پذیرفت، معبد به حساب آورده‌اند و اصلاً به نقش تدافعی و زیستی این آثار فکر نکرده‌اند و این مسئله در مطالعات افرادی چون واریک بال، کلایس و لیونل نیز به چشم می‌خورد (شکاری نیری، ۱۳۷۳: ۳۹). در مورد معماری دستکند منطقه بختیاری پژوهش‌هایی که انجام گرفته بیشتر شامل شناسایی، معرفی، توصیف و گنجاندن آن‌ها در ذیل گروه مقبره، گوردخمه، استودان و کاربری‌های مقبره‌ای است. مطالعاتی که تاکنون در مورد معماری دستکند منطقه بختیاری صورت گرفته بیشتر محدود به

پژوهش‌هایی است که به معرفی و توصیف و در نهایت پیشنهاد کاربری برای آن اثر پرداخته است. دو پژوهش در قالب پایان‌نامه و رساله با عنوان بررسی و معرفی تدفین‌های دستکند شهرستان‌های شوشتر و گتوند در دوره‌های اشکانی و ساسانی توسط اصغر فتاحی که محقق در این پژوهش آثار دستکند گتوند و شوشتر را به‌عنوان دستکند معرفی کرده و آن‌ها را مربوط به فضاهاى تدفین (بردگوری، استودان، دخمه) دانسته است (فتاحی، ۱۳۹۶: ۱۲۲) و رساله دکتری تحت عنوان تحلیل باستان‌شناختی هنر دستکند الیمائیان که محقق آثار معماری دستکند را تحت عنوان هنردستکند به دو گروه: ۱- بردگوری‌ها که به زیرگروه‌های منفرد و مجموعه‌ای و نقش برجسته‌دار ۲- نقوش برجسته مذهبی و غیرمذهبی طبقه‌بندی نموده و این آثار را متعلق به دوره حاکمیت الیمائیان در این منطقه می‌داند (مرادی نوروژی، ۱۳۹۲: ۲۸۰). در تک‌نگاری‌هایی نیز محققان به معرفی آثار معماری دستکند پرداختند، در این مقالات آثار منفرد و مجموعه‌ای در مناطق مختلف آورده شده که بیشتر به توصیف و معرفی فضای معماری پرداختند.

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

باتوجه به اینکه در زمینه تبیین و تفسیر معماری صخره‌ای مناطق بختیاری تحقیقات و مطالعات بسیار محدودی صورت گرفته است و ابعاد و زوایای بسیاری از جنبه‌های این نوع معماری پنهان و مستتر مانده است، از این جهت در چنین شرایطی برای شناخت دقیق‌تر و موشکافانه موضوع استفاده از روش‌شناسی تحقیق کیفی ضرورت می‌یابد. پژوهش مبتنی بر روش کیفی و به لحاظ روش‌شناسی بر توصیف و تحلیل متکی است. نگارنده جهت انجام مطالعات قوم‌باستان‌شناسی با حضور در مناطق بختیاری‌نشین با سازه‌های صخره‌ای روبرو شد که این فضاها از تنوع خاصی برخوردار بودند ولی به جهت برداشت نادرستی که از این نوع معماری در بین مردم محلی و همچنین برخی محققین رواج دارد، تمامی این فضاها را مرتبط با آئین تدفین می‌دانند و این موضوع مغایر با اطلاعات حاصل از بررسی‌های میدانی بود. ماهیت پژوهش‌های میدانی و

علی‌الخصوص در باستان‌شناسی به‌گونه‌ای است که محقق را وادار می‌سازد تا از تکنیک‌های متنوعی همچون (مصاحبه، مشاهده ژرفانگر و نیمه عمیق) جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده نماید. بعد از جمع‌آوری اطلاعات میدانی جهت تجزیه و تحلیل و راستی‌آزمایی آن‌ها نیازمند مطالعه منابع کتابخانه‌ای بودیم که با رجوع به این منابع عوامل مهم و تاثیرگذار در ایجاد معماری صخره‌ای منطقه بختیاری را مشخص و گونه‌های موجود از این نوع معماری را ارائه دادیم.

### ۵- درآمدی بر معماری صخره‌ای

محققان حوزه معماری تعاریف متعددی از معماری صخره‌ای ارائه دادند و این تنوع بیشتر در استفاده از واژگان و نوع بکارگیری آن‌هاست و در ماهیت این تعاریف تقریباً مفهوم یکسانی از آن‌ها استنباط می‌شود. در این بخش برای پرهیز از اطاله‌گویی به بیان تعاریفی که در بین محققان این حوزه از مقبولیت بیشتری برخوردار است، بسنده می‌شود. معماری صخره‌ای عبارت است از «بهره‌گیری از صخره‌های طبیعی در جهت ایجاد فضاهای متناسب با نیازهای انسان، این نوع معماری حاصل مبارزه و تقابل انسان با طبیعت سخت و خشن به‌منظور ایجاد سرپناه و مسکن است» (منگلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۸۶). هرگاه در صخره‌ای حفره‌ای ایجاد نماییم و به تدریج حفره را وسعت دهیم تا فضاهای مورداحتیاج، مثلاً خانه یا آرامگاهی ایجاد شود، آن را معماری صخره‌ای می‌نامیم (اسدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷). معماری صخره‌ای تفاوت‌های زیادی با معماری معمولی دارد، در معماری معمولی، به وسیله مصالح ساختمانی چون آهک، گچ، آجر و خشت، بنای اصلی معماری را به وجود می‌آورند در صورتی که در معماری صخره‌ای عکس آن جریان دارد، یعنی معماری از فضا شروع می‌شود (گرچی مهبانی و سنائی، ۱۳۸۸: ۴).

در معماری صخره‌ای سنگ طبیعی کالبد اصلی فضاهای ایجاد شده است و سایر مصالح نقش کمتری دارند و شکل فضاها عکس‌العمل طبیعی عملکرد آن‌هاست و تغییرات ایجادشده توسط انسان برای برآوردن نیازهایش می‌باشد. در این نوع معماری

ایجاد فضاها به صورت تدریجی از فضای کوچک آغاز و به فضای بزرگ می‌رسد و فضاهای موردنظر در درون توده صخره‌ها کنده می‌شود، در این معماری جنبه‌های دفاعی مسکن در برابر هجوم انسان‌ها، حیوانات و حوادث طبیعی بیش از سایر عوامل موردنظر است و برخلاف معماری غیر صخره‌ای که بر اثر عوامل طبیعی، گذشت زمان و یا توسط خود انسان‌ها ویران و تخریب می‌شود پایداری بیشتری داشته و در بازسازی تاریخ و فرهنگ اقوام و ملل مختلف حائز اهمیت است (غلامعلی، ۱۳۵۴: ۱۳).

در زبان‌انگلیسی اصطلاح معادل دستکند<sup>۱</sup> است و واژه‌ی Troglodytic برگرفته از اصطلاح مشابه فرانسوی آن یعنی Troglodytique مفهوم جامع‌تری را در بر می‌گیرد (اشرفی، ۲۱۳۹۰: ۲۷). اگرچه واژه Troglodyte در فرهنگ آکسفورد انسانی که در غار زندگی می‌کند معنا شده است، ولی این لغت در اصل واژه‌ای یونانی است. از دو بخش گودال<sup>۲</sup>، حفره و نفوذکردن<sup>۳</sup> در داخل چیزی تشکیل شده است. اصطلاح دیگری که برای این نوع معماری استفاده می‌شود معماری صخره‌ای است. رورسکی محقق در زمینه مطالعات معماری دستکند در مورد این نوع معماری در کتاب خود چنین می‌نویسد: تروگلودیت به معنی استفاده‌کننده از حفره‌ای است که توسط انسان کنده شده است (Rewerski, 1999: 16).

از فضاهای معماری که با استفاده از صخره‌ها ایجاد می‌شود، می‌توانیم به دژها و قلاع مستحکم، معابد صخره‌ای، آرامگاه‌های صخره‌ای (جباری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲) و بسیاری دیگر از این فضاها اشاره نمود. این نوع معماری مزیت بسیار ویژه‌ای دارد و آن بدنه ضخیم صخره است که حفاظ مناسبی در برابر گرما و سرما محسوب می‌شود و نیز شیب تند صخره، آب، برف و باران را به خوبی دور می‌کند. مهمترین نقطه ضعف

اینگونه آثار محدودیت فضا و فشرده بودن آنهاست. از دیگر سو اینگونه معماری ارتباط نزدیکی با دین و مذهب دارد و درباره آن نظرات مختلفی ارایه شده است. معماری صخره‌ای از اواخر هزاره ۲ ق.م ظاهر شده است. بدیهی است ابتدای امر این فن در خدمت آرامگاه‌های سلطنتی یا حکمرانان و طبقه اشراف بوده است و در طول گذر زمان مورد استفاده توسط افراد عامه نیز شد (میرفتاح و شکاری نیری، ۱۳۷۵: ۶۵). معماری دستکند به عنوان گونه‌ای ناشناخته از معماری بومی است که ماهیت آن با آنچه در مورد واژه معماری در ذهن است، متفاوت می‌باشد این معماری به دلیل عدم استفاده از مصالح آزاد و روند خلق متفاوت، نوعی تناقض را در میان گونه‌های معماری بومی داراست. خلق فضا با استفاده از منفی‌سازی در توده سنگی، اساسی‌ترین فن این معماری است. نمونه‌های ارزشمند با کارکردهای متنوع همانند: آیینی، خدماتی و مسکونی در سراسر کشور ایران به چشم می‌خورد، به‌خصوص اقلیم سردسیر به دلیل تناسب کالبدی این معماری با شرایط اقلیمی، پذیرای بیشترین سکونتگاه‌های دستکند است. در ادبیات باستان‌شناسی هر یافته‌ی باستان‌شناسانه‌ای که بدست می‌آید تحت عنوان، اصطلاح و مفهومی مشخص باید تعریف و توصیف گردد. تمامی سازه‌هایی که به هر طریقی در دل صخره و یا تخته سنگ ایجاد می‌شوند تحت عنوان معماری صخره‌ای معرفی می‌شوند.

## ۶- اهمیت و ضرورت طبقه‌بندی و گونه‌شناسی یافته‌های باستانی در مطالعات

### باستان‌شناسی

در هر علمی طبقه‌بندی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات است و باستان‌شناسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. شاید برخی بر این باور باشند، در عصری به‌سر می‌بریم که باستان‌شناسان باید به فرآیندهای فرهنگی توجه کنند و طبقه‌بندی مصنوعات چندان معمول نباشد ولی همان‌طور که در باب اهمیت طبقه‌بندی عنوان شده است، چارچوب اصلی مطالعات باستان‌شناسی با طبقه‌بندی شکل می‌گیرد. از اواسط قرن ۱۸ میلادی در معماری و باستان‌شناسی از گونه‌شناسی به‌عنوان ابزاری برای

شناخت و دسته‌بندی بهره گرفته شد. دسته‌بندی لینه سوئدی در گیاه‌شناسی باعث شد دیگر دانشمندان از این روش استفاده کنند و به زودی به سایر علوم نیز سرایت نماید (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲: ۱۰۴). در مورد اهمیت گونه‌شناسی در باستان‌شناسی و معماری به بیان چند مورد اکتفا شده است. طبق گفته کاوگیل و آدامز اگر نتوانیم ایده‌های مناسبی را برای طبقه‌بندی بکار بگیریم بدون شک نمی‌توانیم به هیچ چیز دقیق و درستی دست پیدا کنیم (Hodson, 2009: 8). رایس در مقاله‌ای از اهمیت طبقه‌بندی و ایجاد یک ساختار علمی و مشخص برای این مهم صحبت می‌کند و عنوان می‌دارد که یک طبقه‌بندی درست می‌تواند مشکلات ساختاری تحقیق را ساماندهی کند و این عمل را از اولین و مهم‌ترین گام‌ها در مطالعات یافته‌های باستان‌شناختی می‌داند (Rice 1996: 155). گونه‌شناسی باستان‌شناسان را در فراهم آوردن واحدها و معیارهای تحلیل و بررسی یاری می‌دهد تا بتوانند آن معیارها را در مورد چند نمونه از آثار و اشیا مورد استفاده قرار دهند و در نتیجه، نمونه‌های موجود و بررسی شده مورد مقایسه دقیق قرارگیرند. نمونه‌ها ممکن است مربوط به محوطه‌های باستانی مختلفی بوده، یا از طبقات مختلف یک محل باستانی کشف شده باشد (فاگان، ۱۳۹۳: ۴۱۳). گونه‌شناسی اساس بسیاری از تحلیل و تفسیرهای باستان‌شناختی، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مجموعه‌ای از آثار باستانی با دیگر آثار همان مجموعه یا آثاری از مجموعه‌ای دیگر از دوره‌ها، محوطه‌ها و منطقه‌های گوناگون است (هول، ۱۳۷۹: ۲۱). گونه‌شناسی عبارت است از کار طبقه‌بندی که به مرحله مقایسه و مقابله منتهی می‌شود و فرصت بررسی انگاره‌های موجود رفتار و نقش انسان را بوجود می‌آورد. ارزش و اعتبار گونه‌شناسی این است که امکان مقایسه آثاری را که در دو محل باستانی، یا در سطوح و طبقات مختلف مربوط به یک محل باستانی کشف گردیدند، بوجود می‌آورد (فاگان، ۱۳۹۳: ۴۱۳).

این روش که بعنوان سری‌بندی نیز معروف است بر پایه بازسازی دگرگونی و تداوم در گونه‌شناسی مواد و یافته‌های باستانی استوار است. استفاده از این عمل بیشتر برای

محوطه‌ها و مناطقی است که مواد باستانی آن بدون گاه‌نگاری مطلق است. در این روش مطالعه دگرگونی و تداوم مواد در توالی فازهای یک مکان با مکان‌های مشابه و همزمان مقایسه می‌شود (علی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۲). موارد ارائه شده در مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی نشانگر اهمیت نقش آن در تحلیل و تفسیر باستان‌شناسانه است، بدین جهت استفاده از این امر را در مطالعات باستان‌شناسی مهم و ضروری می‌نماید. یکی از یافته‌های باستان‌شناختی مهم و پابرجا که تا امروزه به صورت نمایان بازگوکننده جنبه‌های مختلفی از زندگی بشر در پیش از تاریخ تا عصر حاضر است معماری صخره‌ای و موادفرهنگی موجود در این سازه‌ها است که کسب بیشترین اطلاعات از این یافته‌های باستانی نیازمند مطالعات با روشی علمی و هدفمند است و گام نخست در این بررسی و مطالعه علمی طبقه‌بندی و گونه‌شناسی این نوع یافته‌ها است. اکثر محققان و باستان‌شناسان معتقدند انجام و ارائه یک طبقه‌بندی علمی زمانی مفید و سودمند است که با تحلیل و نتیجه‌گیری درست همراه شود و در غیر این صورت هیچ‌گونه کاربرد و جایگاهی در مطالعات علمی ندارد. متأسفانه در مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی یافته‌های باستانی روش و چارچوب مشخصی وجود ندارد و این معضل با رجوع به منابع موجود در مورد طبقه‌بندی‌های انجام شده برای یافته‌های باستان‌شناختی کاملاً نمایان است و در هر منطقه‌ای بنابر سلیقه شخصی و یا چارچوب‌هایی که برای خود معین نمودند این یافته‌ها را طبقه‌بندی می‌کنند و ممکن است این معیارها نزد محققان منطقه جغرافیایی دیگر محلی از اعراب نداشته باشد.

#### ۷- طبقه‌بندی و گونه‌شناسی موجود در مورد معماری صخره‌ای

تاریخ، که تاریخ هنر نیز صورتی از آن است، سیر مداوم و مستمر رویداد هاست. اما ذهن انسان برای ارزیابی بهتر آن را طبقه‌بندی می‌کند. از آنجاکه طبقه‌بندی امری ذهنی است، پس اعتباری است. از این رو به تاریخ درجه دو (تاریخ چون گزارش) مربوط است. با این حال آن طبقه‌بندی پذیرفتنی است که با حقیقت تاریخ یا تاریخ درجه یک (تاریخ چون رویداد) انطباق بیشتری داشته باشد. در تاریخ هنر روش‌های مختلفی

برای طبقه‌بندی تاریخ وجود دارد (صحراگرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹). گونه‌شناسی معماری صخره‌ای از دیگر موارد موجود در زمینه شناخت این معماری است. معرفی گونه‌های این معماری در دنیا و مصادیق آن با تعریف چند الگو و بهره‌گیری از تجربیات قبلی در جهان برای دسته‌بندی این معماری در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. با رجوع به منابع موجود در مورد گونه‌شناسی و طبقه‌بندی معماری صخره‌ای متوجه می‌شویم که در هر منطقه جغرافیایی و فرهنگی براساس معیارهای موجود در آن منطقه این سازه‌های صخره‌ای را در گونه‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند، بعنوان مثال در منطقه آسیای صغیر و کاپادوکیه براساس مفهوم کارکردی معماری صخره‌ای را به مجموعه‌های مسکونی، خدماتی و مذهبی (صومعه و کلیسا) تقسیم‌بندی کرده (Erdm,2008:493).

در منطقه کاپادوکیه معماری صخره‌ای را در ۲ گروه کلی مجموعه‌ای (مسکونی، خدماتی، مذهبی) و منفرد که کاربری مشخصی دارند تقسیم نمودند. ویتروویوس در اثر مشهور خود تحت عنوان ده کتاب معماری (از حدود ۲۰۰۰ سال پیش) گونه‌های مختلف بناهای یونانی شامل خانه‌ها، معابد و ساختمان‌های عمومی را گروه‌بندی نموده است (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲: ۱۰۷). باستان‌شناسان و پژوهشگران در تعیین شاخصه‌های طبقه‌بندی و گونه‌شناسی آثار معماری صخره‌ای عواملی مانند بستر طبیعی زمین، نوع دسترسی موجود برای فضاهای ایجادشده (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۵). فضای کالبدی و بافتار و ساختار اثر، مفهوم کارکردی را مدنظر قرار می‌دهند. یکی از اولین مطالعات در مورد معماری صخره‌ای در ایران در روستای کندوان صورت گرفته است، که ویژگی‌های کلی خانه‌های صخره‌ای این روستا مانند تعداد طبقات، فضاهای بسته مانند انباری طویله و جزء عناصر مانند ورودی و طرز قرارگیری اشیا مورد بررسی قرار گرفت (همایون، ۱۳۵۶: ۱۶۳).

یکی از گونه‌شناسی‌های معمول توجه به نحوه ایجاد معماری است که به ۳ گروه تقسیم می‌شود. در این دسته‌بندی گونه اول شامل الحاقات ایجاد شده در فضای

صخره‌ها و کوه‌های طبیعی است که در قالب پنجره، سقف، دیواره‌ها و کف نمایان می‌شود و تحت عنوان زیرصخره و بین صخره معرفی می‌گردند. گونه دوم فضایی است که به صورت افقی ایجاد می‌کنند که با عنوان معماری افقی شناخته می‌شوند و گونه سوم معماری صخره‌ای فضاهایی است که به صورت عمودی در صخره‌ها ایجاد می‌کنند و دسترسی به این سازه‌ها از طریق پله و تونل‌هایی است که درون بستر حفر می‌کنند و به همین خاطر این نوع فضاهای ایجادشده را تحت عنوان معماری عمودی بیان می‌کنند (Bertholon & Huet, 2005:35). در برخی از نقاطی که معماری صخره‌ای وجود دارد براساس کارکردی که برای آن‌ها در نظر گرفتند به دو دسته کلی مذهبی و غیرمذهبی تقسیم نمودند که نشانگر اهمیت آئینی و مذهبی این نوع از معماری در بین جوامع موردنظر داشته است. معماری صخره‌ای از نظر فضا و کالبد آن به دو نوع تقسیم می‌گردد، نوع اول: درون صخره‌های بزرگ آزاد و مجزا از یکدیگر که فضاهای مسکونی یا عمومی به همراه پنجره و نورگیر ایجاد می‌کنند، مانند منطقه گورمه و حاجی‌لر در کاپادوکیه ترکیه و کندوان در ایران و نوع دوم: فضاهای متعددی که در داخل صخره و کوه‌ها ایجاد گردیده و نمی‌توان پنجره و نورگیر در آن‌ها تعبیه نمود، مانند معماری صخره‌ای روستای میمند کرمان (همایون، ۱۳۵۶: ۱۸۴، سامع سردرودی، ۱۳۸۳: ۲۶ پورمحمدی و نصراله‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۵) و مجموعه معماری ویندکلخوران که شباهت فراوانی به مجموعه میمند دارد (عطایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

سامع سردرودی در مقاله‌ای معماری صخره‌ای روستای کندوان را از جهات مختلفی مانند: تنوع استقرار (صخره‌های تکی، جفتی و چندتایی) تنوع اشکال (مخروطی، دوکی و بی‌شکل) و تنوع کاربری (مسکونی و عمومی) طبقه‌بندی نمود (سامع سردرودی، ۱۳۸۳: ۲۸). رازانی و همکاران در پژوهشی که بر روی آثار معماری صخره‌ای منطقه سهند انجام دادند این سازه‌ها را براساس کاربری که داشتند به ۵ گونه: مسکونی، آئینی، استحقاظی، عمومی (عام‌المنفعه) و متفرقه طبقه‌بندی نمودند (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹). آثار معماری دستکند را می‌توان بسته به نوع بستر طبیعی به دو گروه تقسیم کرد:

۱- سکونتگاه‌های شکل گرفته در دل بستر طبیعی پیوسته و خطی در ارتفاعات گوناگون ۲- مجموعه‌های شکل گرفته در توده‌های جدا از هم (اقتصادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

#### ۸- عوامل موثر بر شکل‌گیری معماری صخره‌ای در منطقه بختیاری

همانطور که بیان شد معماری صخره‌ای نوعی هماهنگی و بهره‌وری بشر از محیط پیرامون است و با مطالعه این نوع معماری می‌توان جنبه‌های مختلفی از زندگی انسان در دوران پیش از تاریخ را روشن ساخت. برای بررسی عوامل موثر و شکل دهنده معماری صخره‌ای منطقه بختیاری باید به محیط طبیعی و زیست بوم (شرایط جغرافیایی و اقلیمی)، آئینی مذهبی، شیوه معیشت، امنیتی استراتژیکی و ماندگاری و مالکیت این ناحیه توجه کرد و تاثیر هرکدام از این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری معماری صخره‌ای منطقه بختیاری را به‌طور جداگانه بیان نمود.

#### ۸-۱- محیط طبیعی و زیست بوم (جغرافیا و اقلیم)

منطقه بختیاری به وسعت حدود ۳۹۹۰۰ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران در امتداد رشته کوه‌های زاگرس (زاگرس میانی) واقع شده است. این محدوده مشتمل بر شهرستان‌های داران و فریدون‌شهر از استان اصفهان، الیگودرز از استان لرستان و شهرستان‌های دزفول، اندیمشک، مسجدسلیمان، ایذه و شوشتر در استان خوزستان و شهرستان‌های بروجن، لردگان و فارس (در استان چهارمحال و بختیاری) است منطقه بختیاری به جهت ویژگی‌های اقلیمی و پستی و بلندی دارای دو قلمرو کاملاً متمایز ییلاق (سردسیر) و قشلاق (گرمسیر) است (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۵۱). معماری دستکند حاکی از صحنه‌های مبارزه و جدال انسان با طبیعت و در خدمت گرفتن صخره‌های طبیعی است. در این محیط عوامل کالبدی محیط زیست انسان از بین عوامل کاملاً طبیعی انتخاب شده است و تلفیق عجیبی بین کالبد مسکونی و رفتار انسان پدید آمده و در واقع هر دو عامل بر روی هم تأثیر گذاشته‌اند. به این معنی که انسان طبیعت را مهار و در آن رسوخ کرده و از سوی دیگر، طبیعت رفتار او را تحت تأثیر خود قرار

داده است و تکامل این ترکیب در دگرگونی هر دو مؤثر بوده است (گرگی مهلبانی، ۱۳۸۸: ۶).

عامل محیط زیست بسیار کلی است و شامل زیرمجموعه‌هایی همچون اقلیم (دما، رطوبت، بارندگی و سایر عناصر)، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و معدنی و مواردی از این قبیل است که پرداختن به همه آن‌ها خارج از این بحث است. باتوجه به موقعیت قرارگیری منطقه بختیاری در میان رشته کوه‌های زاگرس و فراوانی و در دسترس بودن منبع سنگ وجود حجم انبوهی از معماری صخره‌ای کاملاً طبیعی جلوه می‌نماید و این فضاها در جهت شناسایی روند تغییر نوع استقرار در این منطقه نیز می‌تواند راهگشای باستان شناسان و دیگر محققان نیز باشد. انسان پیش از تاریخ به خوبی توانست از بستر صخره‌ای غارهای موجود در این منطقه استفاده کند و نمونه شاخص این سکونتگاه‌ها غار پیده در شهرستان لالی است که با استناد به مطالعات باستان‌شناختی که توسط گیرشمن در این غار صورت گرفته مربوط به اواخر میان سنگی و آغاز نوسنگی است (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۱۹).

در دوران پیش از تاریخ و با گذشت زمان احتمالاً بر اثر افزایش جمعیت غارهای طبیعی موجود جهت اسکان مردم منطقه کافی نبودند و بشر در این دوران با تغییراتی که در بستر برخی از صخره‌های موجود جهت استفاده و رفع نیازهای خود ایجاد کرد توانست پدیده افزایش جمعیت را پاسخ دهد و از صخره‌هایی که قابلیت تغییر شکل آن‌ها نسبتاً آسان‌تر است جهت سکونت خود و دام موجود بهره‌برد. حفاظت در برابر بارش و سرمای شدید مناطق کوهپایه‌ای در زمستان و دمای مطبوع در تابستان‌ها در کنار سایر عوامل اعتقادی، اقتصادی و سایر موارد، بدون تردید از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این گونه‌ی معماری در مناطق مختلف است؛ همین امر عاملی برای برقراری تعادل دما در برابر تغییرات دمایی شبانه‌روز در طول فصول مختلف سال است (محمدی‌فر و همتی از ندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). رشته کوه‌های زاگرس دارای زمستانی سرد و اکثر قله‌های آن پوشیده از برف است و همچنین در فصل بهار و پاییز حجم

بارندگی بسایر بالا است، باتوجه به کوچ مردم منطقه بختیاری که گاهی طی نمودن مسیر کوچ حدود ۳۰ روز به طول می‌انجامد، این نوع معماری می‌توانست محل مناسبی جهت استقرار و در امان ماندن از سرما و بارندگی باشند.

#### ۸-۲- شیوه معیشت

مردم منطقه بختیاری از دیرباز زندگی کوچ‌نشینی داشتند و امروزه تعداد کمی از مردم این منطقه فرآیند کوچ را انجام می‌دهند و بسیاری از بختیاری‌ها بنابر دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به زندگی یکجانشینی روی آوردند. با توجه به رواج زندگی کوچ‌نشینی در کنار زندگی یکجانشینی در منطقه بختیاری، این فضاهای معماری می‌توانست به‌عنوان منزلگاه و سرپناهی دائم و موقت برای خود و دامی که به‌همراه داشتند، باشد. همچنین در طول مسیری که از ییلاق به قشلاق و بالعکس موسم کوچ را انجام می‌دادند این گونه فضاهای معماری با توجه به استحکام و ماندگاری که داشتند می‌توانستند مکان بسیار مناسبی جهت اسکان موقتی (یک روزه و گاهی دو روزه) هر طایفه باشد. دلیل این ادعا قرارگیری اکثر فضاهای معماری بر سر ایل‌راه‌های بختیاری است. بختیاری‌ها علاوه بر دامداری به کشاورزی نیز مشغول هستند و به‌تبع آن به فضاهایی جهت نگهداری تولید مازاد محصولات کشاورزی نیاز دارند و بستر صخره‌ای سنگ‌ها یکی از مناسب‌ترین مکان‌ها برای نگهداری غلات و محصولات آن‌هاست.

#### ۸-۳- آئینی و مذهبی

مرتبط نمودن جنبه آئینی و مذهبی برای استفاده انسان دوران نوسنگی از فضاهای صخره‌ای اندکی دور از ذهن است، بشر در این دوره بنابر شناختی که از زندگی غارنشینی داشته و بر اساس تجربه کسب کرده اقدام به ایجاد معماری صخره‌ای نموده و با گذر زمان و پیدایش مضامین آئینی و مذهبی احتمالاً این فضاها محل مناسبی برای پیاده‌سازی این گونه اعتقادات و باورها بوده است. کوهستان و صخره‌ها در بین ادیان مختلف بشری از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و نمونه قابل ذکر آئین مهرپرستی و

اهمیت کوه و صخره در نزد پیروان این مذهب است. انتخاب صخره‌ها در کوهستان‌ها یا دل زمین به عنوان مکان مقدس و پاک، جایگاه خاصی دارد.

لازم بذکر است جنبه آئینی و مذهبی عنصر جدایی‌ناپذیر زندگی مردم منطقه بختیاری است. نقش مذهب در بین مردم سرزمین بختیاری در شکل دادن و ایجاد معماری صخره‌ای انکارناپذیر است و قطعاً بسیاری از فضاهای معماری ایجاد شده جنبه مذهبی و آئینی داشتند و این موضوع براساس فضاهای ساختاری و کالبدی این آثار قابل تشخیص و اثبات است. برخی از محققین معتقدند قوم بختیاری ریشه عیلامی دارند و از دیرباز در این منطقه سکونت داشتند و وجود تشابهات فراوان در نحوه انجام مناسک آئینی و مذهبی در بین قوم بختیاری و عیلامی‌ها دلیلی بر این ادعاست. اهمیت کوه‌ها و صخره‌ها جهت پیاده سازی افکار و باورهای عیلامی‌ها با وجود نقش برجسته‌های متعددی که در حوزه قلمرو آن‌ها کشف شده است نشانگر اهمیت مذهبی این فضاها در ایجاد معماری صخره‌ای است. مردم منطقه بختیاری از بستر طبیعی صخره‌ها برای ایجاد گوردخمه و فضاهای مرتبط با آئین تدفین و پرستشگاه‌ها استفاده می‌کردند و به گونه‌ای که بیشترین حجم آثار صخره‌ای در این سرزمین مربوط به فضاهایی با این نوع کاربری است که در بین مردم محلی به عنوان بردگوری (که عامیانه و نادرست است) شناخته می‌شوند.

#### ۸-۴- امنیت و استراتژیک

پژوهشگران تعاریف گوناگونی از امنیت ارائه دادند ولی بطور کلی می‌توان امنیت را در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن دانست. گوناگونی تعاریف موجود در مورد امنیت نشأت گرفته از تاثیر فاکتورهای متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی در این مقوله مهم است. بدون شک امنیت یکی از اساسی‌ترین و پایدارترین نیازهای اولیه بشر از دیرباز بوده و تنها تفاوت امنیت در بین بشر امروزی با انسان در دوران پیش از تاریخ ظهور جنبه‌های جدیدی از آن در عصر حاضر می‌باشد. اصلی‌ترین مؤلفه امنیت در دوران پیش از تاریخ و عصر حاضر حفاظت از جان و مال

انسان است که در طول تاریخ به شیوه‌های گوناگون وجود داشته است. انسان در طول دوران زندگی همیشه در جهت بهبود امنیت جانی خود تلاش می‌نمود و بر اثر تجربه و تکرار بسیاری از تکنیک‌های مورد نیاز را فراگرفته است. بر اثر تماس و شناختی که بشر از فواید زندگی غارنشینی در جهت حفظ جان خود در برابر بلایا کسب نموده بود سعی در ایجاد فضاهایی مشابه در بستر طبیعی صخره‌ها داشت و از این مکان‌ها بعنوان جان‌پناه و پناه‌گاه در برابر حوادث مخاطره آمیز طبیعی و انسانی از خود و خانواده‌اش محافظت می‌نمود. فضاهای ایجاد شده در صخره‌ها مکان بسیار مناسبی برای مردم بختیاری جهت حفاظت در برابر حیوانات وحشی و همچنین برای حفظ در برابر سرما و بارندگی‌های شدید بوده است. دام در بین بختیاری‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است و زندگی اکثر آن‌ها بر پایه دامداری است و از این جهت حفاظت از جان آن‌ها در برابر بلایای طبیعی و همچنین حیوانات درنده موضوع بسیار مهمی بوده که مردم بختیاری ناگزیر بودند دام‌های خود را در نزدیکی محل سکونت خود اسکان دهند.

استراتژیک و حیاتی بودن یک منطقه نیز می‌تواند در قالب مقوله امنیت آورده شود. با بررسی کلی معماری صخره‌ای موجود در سرزمین بختیاری متوجه می‌شویم که حجم زیادی از فضاهای صخره‌ای ایجاد شده بر سر راه‌های ارتباطی و مسیرهای سوق الجیشی بوده که از این سازه‌ها می‌توانستند در مواقع جنگ و وجود تنش‌های میان طوایف به بهترین وجه برای تسلط و آگاهی از منطقه استفاده نمایند.

در برخی مجموعه‌های دستکند، اقوامی ساکنین بودند که نتوانستند فرمانروایی دشت‌نشینان یا شهرنشینان و غارت و تاخت و تاز را بر خود هموار سازند و بدین منظور در میان کوه‌های پرفراز و نشیب و بریدگی‌های متعدد آن برای خود پناهگاه‌هایی به وجود آوردند تا در پناه آن به صلح و صفا زندگی را سپری نمایند و یا در مواردی هجوم اقوام متعدد در دوره‌های مختلف سبب گردیده تا ساکنان مناطق گوناگون در دل توده‌های سنگی خانه و پناهگاه‌هایی را برای خود برپا کنند. اهمیت دفاعی معماری دستکند در مقابل انسان و حیوان مهاجم نیز، غیرقابل انکار است. در این نوع معماری

جنبه‌های دفاعی مسکن در برابر هجوم انسان‌ها، حیوانات و حوادث طبیعی بیش از سایر عوامل مورد نظر است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۸).

## ۸-۵- ماندگاری و مالکیت

معماری صخره‌ای یکی از ماندگارترین و پابرجاترین یافته‌های باستان‌شناختی است که می‌توانیم با استفاده از آن به بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان دست یابیم. انسان در دوران پیش از تاریخ به سبب وجود غارهای طبیعی بدون هیچگونه زحمت و فعالیتی امکان سکونت در این نقاط را پیدا کرد و احتمالاً بعد از افزایش جمعیت بدلیل مزایایی که این غارها داشتند و همچنین ماندگاری بالای آن‌ها با تغییر شکل در بستر طبیعی صخره‌ها مطابق با نیازهای خود سازه‌های معماری را بوجود آورد. این گونه معماری برخلاف معماری معمولی (غیرصخره‌ای) که بر اثر گذر زمان و عوامل طبیعی و انسانی تخریب شده و به تپه‌های باستانی تبدیل می‌شود دارای استحکام و ماندگاری بسیار بالایی است (مجتهدزاده، ۱۳۵۳: ۱۵۱). و در بازسازی تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف دارای اهمیت است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۶). طبیعت ثابت، فرم زندگی را ثابت نگه داشته زیرا عمل فیزیکی در این بحث، سنگ می‌باشد که جزئی از یک کوه رفیع و لاجرم تغییر ناپذیر و با دوام است و شکل ظاهری زندگی اجتماعی کوچک در رابطه جدا نشدن با فرم کالبدی محیط قرار گرفته و انسان‌ها نیز به تبع آن، سنگین و تغییر ناپذیر در مقابل عوارض طبیعی مثل پولاد سخت و غیر قابل نفوذ باقی مانده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۵۳: ۱۴). بدیهی است که یکی از علل انتخاب صخره، پایداری و استحکام و دوام طولانی صخره بوده است. انسان به دلیل هجوم‌ها و حملات پی‌درپی در فکر جان‌پناه مستحکم و مقاوم‌تر بوده، بنابراین صخره‌های کوهستانی را بدین منظور برگزید و در آن خانه‌های مستحکم برای خود کند و در این راه بردباری خاصی از خود نشان می‌داد. تمایل به جاودانگی در انسان از انگیزه‌های دیگری جهت گسترش معماری دستکند بود، به‌ویژه حکام و پادشاهان که به فکر بعد از مرگ بودند مقابر خود را در دل کوه‌ها و صخره‌ها انتخاب می‌کردند تا از ویرانی روزگار و دستبرد غارتگران

محفوظ بماند (شکاری نیری، ۱۳۷۳: ۱۶). مردم منطقه بختیاری باتوجه به ماندگاری و پایداری معماری صخره‌ای و قابلیت استفاده از این فضاها در طول سالیان متوالی اقدام به ایجاد این گونه سازه‌ها نمودند. بختیاری‌ها اطمینان داشتند در طول مدت زمانی که در بیلاق و قشلاق به سر می‌برند هیچگونه تخریب و تهدیدی از سوی انسان متوجه این فضاها نخواهد شد و این مزیت فوق‌العاده‌ای بود که مردم این منطقه را به ساخت این سازه‌ها تشویق می‌نمود.

تعلق مالکیتی این سازه‌ها یکی از موارد مهم در بین اقوام بختیاری است و باتوجه به اینکه هر طایفه‌ای ایل‌راه و مسیر کوچ مختص به خود را دارد معماری صخره‌ای می‌توانست سندی بر مالکیت طایفه مذکور بر این فضاها باشد و در زمان انجام فرآیند کوچ و سکونت جهت بیلاق و قشلاق از این سازه‌ها بتوانند استفاده کنند.

#### ۹- گونه‌شناسی معماری صخره‌ای منطقه بختیاری

همانطور که در مقدمه بیان شد، اهداف ما در این پژوهش بررسی نقش عوامل مختلف در شکل‌گیری معماری صخره‌ای و همچنین ارائه یک طبقه‌بندی و گونه‌شناسی براساس مفهوم کارکردی فضاهای صخره‌ای موجود در منطقه بختیاری است. بر اساس نتایج حاصل از مطالعات میدانی و اطلاعات استخراج شده از منابع کتابخانه‌ای براساس مفهوم کارکردی که برای آثار معماری صخره‌ای منطقه بختیاری در نظر گرفتیم می‌توان این فضاها را در قالب گونه‌های کلی: ۱- آئینی- مذهبی ۲- استقراری- مسکونی ۳- حفاظتی- پناهگاهی ۴- انباری- ذخیره، قرار داد.

#### ۹- ۱- آئینی - مذهبی

در منطقه بختیاری متاسفانه در بسیاری از موارد به اشتباه تمامی سازه‌های صخره‌ای موجود را با مسائل آئینی و تدفین مرتبط می‌دانند و این مسئله تا حدودی ناشی از وجود اسامی متعددی همچون (بردگوری، دخمه، استودان، گوردخمه، خرفت خانه، پیردالو و بردسیلا) است که برای نام‌گذاری این فضاها استفاده می‌شود. جهت قرارگیری یک فضای صخره‌ای در ذیل گونه آئینی- تدفینی مواردی مانند: فضای تدفین، ابعاد متناسب

جهت انجام تدفین و وجود بقایای استخوانی و فرهنگی را مدنظر قرار دادیم. این فضاها مکان مناسبی جهت تدفین و قرار دادن استخوان‌های فرد متوفی بوده و باگسترش این آئین در جنوب‌غربی و در بین بختیاری‌ها، طبیعتاً شاهد ایجاد چنین سازه‌هایی در این منطقه هستیم. آثار صخره‌ای مربوط به تدفین باتوجه به وجود کتیبه در برخی از این فضاها از دوره ساسانیان (فتاحی، ۱۳۹۶: ۲) وجود داشتند و باتوجه به پژوهش‌های موجود می‌توان احتمال داد، در دوران اشکانی و الیمائی (مرادی نوری، ۱۳۹۲) که مقر اصلی حکومت آن‌ها در این منطقه بوده است از این فضاها نیز جهت تدفین استفاده می‌شد. این فضاها از یک ورودی که اغلب به صورت ۴ گوش منظم ایجاد می‌شد فضای تدفین که در کف این سازه‌ها حفر شده، تشکیل می‌شود که در برخی از این سازه‌ها آثار و مواد فرهنگی مانند استخوان (۳۸:۱۳۹۷) و خرده سفال (مرادی نوری، ۱۳۹۲: ۲۸۷) نیز بدست آمده که دلیلی بر استفاده از این مکان به عنوان فضای تدفین است (تصاویر ۱-۳).



شکل ۱: بقایای استخوانی در گوردخمه (منبع:

عرب: ۱۳۹۷)

شکل ۲: فضای تدفین و بقایای استخوانی، ساحل شمالی رودخانه کارون (منبع: فتاحی، ۱۳۹۶)



شکل ۳: فضای صخره‌ای تنگ دز (منبع: مرادی نوروزی، ۱۳۹۲)

## ۹-۲- استقراری - مسکونی

مردم بختیاری با توجه به شیوه زندگی کوچ‌نشینی که داشتند توجه بسیار چندانی به ایجاد فضاهای مسکونی نداشتند و قطعا این معماری استقراری با گونه سکونتگاهی و مسکونی که در نقاط دیگر مانند (کندوان، میمند، سهند، ابذر، سامن، ارزانفود و دیگر مناطق) شاهد هستیم تفاوت زیادی دارد که در ادامه این وجه تمایز را شرح می‌دهیم. معماری مسکونی در منطقه بختیاری با توجه به بافتار زیست بوم و فرهنگی منطقه غالبا به صورت پراکنده است و روستاهای صخره‌ای مجتمعی وجود ندارد. این فضاهای صخره‌ای در تمام طول سال مسکون نبودند و به عنوان منزلگاهی موقت مورد استفاده مردم منطقه بختیاری قرار می‌گرفتند. این سازه‌ها شکل بسیار ساده و ابتدایی داشتند، که

۱. (نگارنده در مقاله‌ای جداگانه برداشته‌های نادرست از این نوع معماری را مفصل شرح داده است). بابامیرساطحی، سعید (۱۳۹۹)، پژوهشی نو بر مفهوم کارکردی معماری صخره‌ای (دستکند) کوچ‌نشینان بختیاری، با رویکرد قوم باستان‌شناسی (مطالعه موردی: بردگوری‌ها)، مجله جستارهای باستان‌شناسی پیش از اسلام، دوره ۵، شماره ۱- پیاپی ۹، صص ۱۵۱-۱۶۶.

این فضاها اغلب شامل ورودی (ورودی‌ها معمولاً به صورت چهارگوش و در برخی موارد نیز دارای اشکال نامنظم هندسی بودند)، اتاق‌هایی در ابعاد کوچک (۱\*۲) متر و همچنین یک راهرو که نقش اتصال این اتاق‌ها را برعهده داشت، بودند (تصاویر ۴-۵).



شکل‌های ۴-۵: مجموعه صخره‌ای دره کالک شوران (منبع: فتاحی ۱۳۹۶)

### ۹-۳- حفاظتی - پناهگاهی

فضاهایی که در قالب گونه حفاظتی به حساب می‌آیند بیشتر شامل برجک‌های مراقبت و دیده‌بانی است. این سازه‌های صخره‌ای با توجه به اینکه در مناطق سوق الجیشی و بر سر راه‌های مواصلاتی ایلیاتی ایجاد شدند، در مواقع بروز جنگ‌های طایفه‌ای و همچنین جهت برقراری نظم و امنیت در مسیرهای ارتباطی بهترین محل برای زیر نظر داشتن وقایع و ایجاد امنیت در این مناطق بوده است. این سازه‌های صخره‌ای معمولاً استتار فوق‌العاده‌ای داشتند و دسترسی به آن‌ها بسیار دشوار بود، بگونه‌ای که با ایجاد این فضاها در مناطق صعب‌العبور نفوذناپذیری این فضاها را به بیشترین مقدار برسانند. در

این نوع معماری با ایجاد حفره‌هایی که دید مناسبی نسبت به مناطق اطراف داشت سعی در کنترل حداکثری بر روی راه‌های مواصلاتی داشتند (تصاویر ۶-۷).



شکل ۶: فضای ورودی سازه صخره‌ای آبژدان (منبع: کوهزاد، ۱۳۹۴)

شکل ۷: فضای ورودی سازه صخره‌ای مال آقا شرقی (منبع، مرادی نوروبی، ۱۳۹۲)

برخی از فضاهای معماری صخره‌ای قابلیت استفاده به‌عنوان پناهگاه را نیز دارا بودند، بگونه‌ای که کاربری پناهگاهی نیز در مواقع بروز خطرات طبیعی همچون سیل و تهدیدات انسانی محل مناسبی برای در امان ماندن مردم این منطقه بود (تصاویر ۸-۹).



شکل ۸: سازه صخره‌ای دره کالک شوران (منبع: فتاحی، ۱۳۹۶)

شکل ۹: سازه صخره‌ای روستای کوه زر (منبع: فتاحی، ۱۳۹۶)

## ۹-۴- انباری و محل ذخیره

باتوجه به وجود کشاورزی در بین مردم منطقه بختیاری (بیلاق و قشلاق) فضاهای صخره‌ای ایجاد کردند که به راحتی بتوانند آذوقه و غلات مازاد خود را در این مکان ذخیره کنند و به هنگام انجام موسم کوچ و تا زمان برگشتن آن‌ها این آذوقه در محلی امن و دور از دسترس حیوانات و دستبرد انسان‌ها باشد. برخی از این سازه‌ها در کف بستر طبیعی صخره‌ها ساخته می‌شدند (شکل ۱۰) و در مواردی نیز از تخته سنگ‌های منفرد بر سطح زمین احداث می‌شدند (شکل ۱۱). همگام با کشاورزی مردم منطقه بختیاری به دامپروری نیز مشغول هستند و یکی از دارایی‌های مهم و حیاتی این مردم محسوب می‌شود. طبیعتاً نگهداری از جان و سلامتی دام نزد مردم منطقه بختیاری بسیار مهم بوده و این موضوع امروزه نیز به وضوح قابل مشاهده است. امروزه محل نگهداری دام در نزدیکی محل سکونت انسان است تا بتوانند در کمترین زمان خطرات احتمالی برای گوسفندان را شناسایی و کنترل نمایند. باین تفاسیر و اهمیتی که دام برای آن‌ها داشته می‌توان برخی از فضاهای صخره‌ای که در نزدیکی محل سکونت آن‌هاست و نسبتاً ورودی کم ارتفاعی نسبت به محل‌های استقرار دارند، را برای آغل حیوانات در نظر بگیریم.



شکل ۱۰: فضای حفرشده در بستر طبیعی صخره، شکرآب (منبع: مرادی‌نوروزی، ۱۳۹۲)

شکل ۱۱: فضای حفرشده بر روی تخته‌سنگ منفرد (منبع: مرادی‌نوروزی، ۱۳۹۲)

پس از اینکه تمامی مردم می‌توانستند از معماری صخره‌ای یا دست‌کنند استفاده کنند در سلسله کوه‌های زاگرس میانی و جنوبی ما شاهد بروز نوعی از فضاهای معماری هستیم که نزد مردم محلی این مناطق تحت عنوان بردگوری شناخته می‌شوند. در مورد تاریخگذاری و قدمت این نوع از سازه‌های صخره‌ای اختلاف نظر وجود دارد، ولی چیزی که به قطعیت می‌توان گفت این فضاهای معماری از دوره ساسانی بنابر کتیبه موجود در یکی از آن‌ها، وجود داشتند و می‌توان پیشینه این نوع معماری را در منطقه زاگرس میانی و جنوبی به دوره اشکانی و الیمایی و حتی قبل‌تر از آن نیز تعمیم داد. یکی از ویژگی‌های مهمی که منطقه بختیاری را بستر بسیار مناسبی برای ایجاد این نوع از فضاهای معماری قرار داده است، فراوانی سنگ و در دسترس بودن آن است. سنگ در بین مردم منطقه بختیاری بسیار ارزشمند و مهم تلقی می‌شد و این موضوع از نامگذاری‌هایی که بر روی فرزندان و حتی روستاها و آبادی‌ها (بردخیاری، بردرچو، برداسپید و بردکلنگ در کهگیلویه و بویراحمد، بردفاتح و بردبل در استان لرستان، بردبر، بردکارخانه، بردگپ و بردشلاندان در استان چهارمحال و بختیاری) دارند می‌توان فهمید. مواردی که بختیاری‌ها از سنگ استفاده می‌کردند شامل: برپایی چادر و ایجاد یک دیوار در اطراف آن، تحدید و مرزبندی اراضی کشاورزی و همچنین ملک شخصی، ایجاد محلی برای نگهداری شبانه گوسفندان و چارپایان، ایجاد بناهای یادبود تحت عنوان مافه‌گه، استفاده از سنگ جهت آسیاب کردن غلات، ایجاد انبار غلات و موارد دیگری است. باتوجه به اهمیت سنگ در زندگی انسان پیش‌ازتاریخ برخی از محققین حالتی تقدس‌وارانه و مذهبی به سنگ دادند و در مورد این کارکرد سنگ می‌توان به نظریات میرچا الیاده و دوبوکور اشاره کرد.

## نتیجه‌گیری

معماری صخره‌ای در کوه‌های زاگرس میانی به دلیل جنس تشکیل دهنده سنگ کوه‌های اطراف دارای تنوع چشمگیری است و این نوع معماری بیانگر مسائل مهمی همچون وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اعتقادی است. سنگ ماده مهم و در دسترس است که بختیاری‌ها در جهت رفع نیازهای خود نهایت بهره‌وری را از آن برده‌اند. با ارائه یک گونه‌شناسی علمی و منطقی در خصوص آثار معماری صخره‌ای موجود در سرزمین بختیاری مشخص گردید این سازه‌ها با توجه به ساختار کالبدی دارای کارکردهای متنوعی هستند که این موضوع در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده بود. معماری صخره‌ای در منطقه بختیاری تقریباً فرم مشابه و یکسانی دارند و اختلافات اندک موجود در آن‌ها بیشتر در تزئینات و عناصر وابسته به این معماری است. یکی از راه‌هایی که در شناسایی مفهوم کارکردی معماری نقش مهمی دارد، تزئینات و عناصر وابسته به آن است. معماری صخره‌ای در منطقه بختیاری عموماً ساده و فاقد جنبه‌های تزئینی است و در این میان با استفاده از معماری و نقوش برجسته حاکمان الیمائی می‌توانیم برخی از این سازه‌های معماری را بطور نسبی تاریخ‌گذاری نماییم. فرم فضای ورودی معماری صخره‌ای منطقه بختیاری شامل: مربع، مستطیل، دایره و دیگر اشکال نامنظم هندسی است که با توجه به همین مشخصه کارکرد بسیاری از این فضاها برای محققان آشکار می‌گردد، بدین صورت که مطمئناً فضاهایی که به‌عنوان مقبره یک شخص مهم و بانفوذ در نظر گرفته می‌شد با سازه‌ای که تنها برای پناهگاه و یا مخزن غلات بوده تفاوت آشکاری داشته و دقتی که در ساخت این دو فضای معماری به کار برده می‌شد نشان از نوع کاربری آن‌ها داشت. عوامل متعددی در زمینه ایجاد و شکل‌گیری فضاهای صخره‌ای منطقه بختیاری دخیل هستند که مهمترین آن‌ها در عوامل محیطی - زیست‌بومی، آئینی - مذهبی، شیوه معیشت، امنیتی استراتژیکی و ماندگاری و مالکیت خلاصه می‌شود که هرکدام از این عوامل میزان تاثیرگذاری متفاوتی در ایجاد این سازه‌ها دارند. برای تشخیص ماهیت عملکردی این فضاهای

معماری هرکدام از آن‌ها را در بافتار و ساختار مختص به خود بررسی نمودیم و باتوجه به مؤلفه‌های تاثیرگذاری همچون ابعاد قسمت‌های مختلف سازه، موقعیت جغرافیایی، نحوه ساخت اثر، و یافته‌های باستان‌شناختی موجود در آن به گروه‌های جداگانه تقسیم‌بندی نموده که گونه‌های موجود شامل: آئینی- مذهبی، استقراری- مسکونی، حفاظتی و پناهگاهی و انباری- ذخیره می‌باشند.

### پی‌نوشت

- 1- Man made cave
- 2-Trogle
- 3- Dynien
- 4- Rock Cut Architecture

### منابع

۱. اسدی، رخساره؛ عباسی، حسن. (۱۳۸۷) بررسی روستای تاریخی میمند، از نظر جاذبه‌های گردشگری. *مجله فضای جغرافیایی*، دوره ۸، شماره ۲۱، صص ۱-۲۴.  
<https://www.magiran.com/p640094>
۲. اشرفی، مهناز. (۱۳۹۰) پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دستکند، *نامه معماری و شهرسازی*، دوره ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۰- صص ۲۵-۴۷.  
[doi: 10.30480/AUP.2012.162](https://doi.org/10.30480/AUP.2012.162)
۳. اقتصادی، نهال؛ زردشت، اسما؛ جعفرزاده، فاطمه. (۱۳۹۲) گونه‌شناسی معماری دستکند، مقایسه تطبیقی روستای گورمه کاپادوکیه ترکیه با روستای میمند کرمان، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.  
<https://civilica.com/doc/266491/>
۴. امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۸۳) ساختار سنتی، اداری و مدیریتی ایل بختیاری و کارکردهای آن، *فصلنامه مطالعات علمی*، سال پنجم، شماره ۳، صص ۴۹-۸۲.  
[Doi: 20.1001.1.1735059.1383.5.19.3.6](https://doi.org/10.1001.1.1735059.1383.5.19.3.6)

۵. بابامیرساطحی، سعید. (۱۳۹۹) پژوهشی نو بر مفهوم کارکردی معماری صخره‌ای (دستکند) کوچ‌نشینان بختیاری، با رویکرد قوم باستان‌شناسی (مطالعه موردی: بردگوری‌ها)، *مجله جستارهای باستان‌شناسی پیش از اسلام*، دوره ۵، شماره ۱-پیاپی ۹، صص ۱۵۱-۱۶۶. <http://noo.rs/LDpqd>
۶. پورمحمدی، محمدرضا؛ نصرالله‌زاده، ذکيه. (۱۳۹۳) بررسی عوامل مداخله‌گر در شکل‌گیری معماری صخره‌ای در نواحی روستایی، نمونه موردی: روستای کندوان آذربایجان شرقی، *مجله جغرافیا و برنامه ریزی*، پاییز ۹۳، شماره ۴۹، صص ۸۱-۱۰۰. [https://journals.tabrizu.ac.ir/article\\_2190.html](https://journals.tabrizu.ac.ir/article_2190.html)
۷. رازانی، مهدی؛ امامی، محمدامین؛ باغبانان، علیرضا. (۱۳۹۵) طبقه‌بندی و تحلیل کاربردی معماری صخره‌ای در دامنه کوه آتشفشانی سهند در شمال‌غرب ایران، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال ۶، شماره ۲، صص ۴۱-۶۰. doi: <https://doi.org/10.22059/jis.2016.62823>
۸. رضی، هاشم. (۱۳۸۵) آیین مهر: تاریخ رازآمیز میتراپی در شرق و غرب از آغاز تا امروز، ج ۱ و ۲، تهران، نشر بهجت.
۹. سامع سردودی، محمد. (۱۳۸۳) کندوان و معماری صخره‌ای آن، *مجله علوم اجتماعی، فرهنگ و مردم*، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱، صص ۲۵-۳۳. <http://noo.rs/dbh90>
۱۰. شکاری نیری، جواد. (۱۳۷۳) معماری صخره‌ای در آذربایجان و زنجان، *مجله معماری و شهرسازی*، شماره ۲۲، صص ۱۹-۳۵. <https://civilica.com/doc/612082/>
۱۱. شکاری نیری، جواد. (۱۳۸۵) امامزاده معصوم ورجوی مراغه معبد مهرپرستی ایرانی و نشان‌ها در معابد اروپایی، *مجله مطالعات ایرانی مرکز تحقیقات فرهنگ زبان‌های ایرانی شهید باهنر کرمان*، سال پنجم، شماره دهم، صص ۱۰۹-۱۲۵. <https://www.magiran.com/p381464>

۱۲. شهبازی، هدایت، منتظر، فرناز. (۱۳۸۹) معماری صخره‌ای بافتی ارگانیک و پارادوکسی در طبیعت، ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۷۱، صص ۵۱-۷۰.  
<https://www.magiran.com/p782548>
۱۳. صحراگرد، مهدی؛ شیرازی، علی اصغر. (۱۳۹۳) تاریخ سبک‌شناسی در تاریخ‌نگاری هنر مغرب زمین، فصلنامه کیمیای هنر، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۸۸-۱۰۰.  
<http://kimiahonar.ir/article-۱۲۸۱-fa.html>
۱۴. عرب، حسنعلی. (۱۳۹۷) نقش باستان مردم‌شناسی در شناخت کوچ‌گران بختیاری و ارتباط آنها با خرفت خانه‌ها، تحقیقات فرهنگی ایران، تابستان ۹۷، شماره ۴۲، صص ۳۷-۵۰.  
[doi: 10.22631/jicr.2018.1500.2202](https://doi.org/10.22631/jicr.2018.1500.2202)
۱۵. عطایی، رضا؛ کاظمی، محمد؛ خانچرلی، مسعود. (۱۳۹۲) بررسی باستان‌شناختی معماری دستکند صخره‌ای، چله‌خانه‌ی روستایی ویندکلخوران، همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند ۱۳۹۲: صص ۱-۱۷.  
<https://civilica.com/doc/370731/>
۱۶. علی جباری، زهره؛ فرخی‌نیا، امیرحسین. (۱۳۹۵) مطالعه و بررسی سبک‌ها و آثار شاخص معماری صخره‌ای در شمال غرب ایران، چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران: ۱۳۹۵.  
<https://civilica.com/doc/612082/>
۱۷. علی‌زاده، عباس. (۱۳۸۶) تئوری و عمل در باستان‌شناسی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران
۱۸. فاگان، براین. (۱۳۹۳) سرآغاز درآمدی بر باستان‌شناسی اصول، مبانی، روش‌ها، جلد دوم، مترجم: غلامعلی شاملو، سمت، تهران.
۱۹. کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۸۹) سفال و سفالگری در ایران: از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: انتشارات ققنوس.

۲۰. فتاحی، اصغرمنتشر نشده بررسی و معرفی تدفین‌های صخره‌ای شهرستان‌های شوشتر و گتوند در دوره‌های اشکانی و ساسانی منتشر نشده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی فرشید ایروانی قدیم و حسنعلی عرب، دانشگاه هنر اصفهان، منتشر نشده

۲۱. کوهزاد، اردشیر. (۱۳۹۴) ریخت‌شناسی و کاربرد شبه گوردخمه‌های کوچگران بختیاری، دومین همایش بین‌المللی معماری دستکند، صص ۱-۱۷.

۲۲. گرجی مهلبانی، سنایی، المیرا. (۱۳۸۸) معماری همساز با اقلیم روستای کندوان، مجله مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۲۹، بهار ۸۸.

۲۳. گیرشمن، رومن. (۱۳۸۸) ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، نشر نگاه، تهران.

۲۴. مجتهدزاده، غلامحسین. (۱۳۵۳) کندوان، مجله هنر و معماری، دوره -، شماره ۳۷ و ۳۸، شماره هشتم، صص ۱۴۹-۱۵۴.

article\_114272\_b4fc0d7355f4f7bd2886bda2d7371fa7

۲۵. محمدی‌فر، یعقوب؛ همتی ازندریانی، اسماعیل. (۱۳۹۵) مطالعه و بررسی معماری دستکند ایران، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶، زمستان ۹۵، صص ۹۵-۱۱۰.

<http://jhre.ir/article-1-997-fa.html>

۲۶. معماریان، غلامحسین، طبرسا، محمدعلی. (۱۳۹۲) گونه و گونه‌شناسی معماری، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۶، پاییز و زمستان ۹۲، صص ۱۰۳-۱۱۲.

doi: <https://doi.org/10.30475/isau.2014.61978>

۲۷. منگلی، محمد؛ ابوئی، رضا؛ مهدی‌زاده سراج، فاطمه. (۱۳۹۶) بازشناسی ویژگی‌های منحصر بفرد ساخت سکونتگاه‌های روستایی دستکند ایران نمونه موردی:

مجموعه میراث جهانی روستای میمند، شهر بابک، استان کرمان، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۲، صص ۷۸۵-۸۰۲

<http://noo.rs/C0gXX>

۲۸. میرفتاح، علی‌اصغر؛ شکاری‌نیری، جواد. (۱۳۷۵) دهکده اباذر، نشریه اثر، شماره ۲۶-۲۷، صص ۶۰-۸۸.

<http://journal.richt.ir/athar/article-1۳۳-۱-fa.html>

۲۹. نوروزمرادی، امرالله. منتشر نشده تحلیل باستان‌شناختی هنر صخره‌ای الیمائیان، رساله دکتری به راهنمایی دکتر علیرضا هژبری‌نوبری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
30. همایون، غلامعلی. (۱۳۵۴) فلسفه معماری صخره‌ای و تمرکز در روستای میمند. کرمان، فرهنگ و معماری ایران، دوره -، شماره ۱.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/creator/۴۵۴۲۸>
۳۱. همایون، غلامعلی. (۱۳۵۶) روستای کندوان، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، صص ۱۵۵-۲۱۱. <http://noo.rs/rsMux>
۳۲. هول، فرانک. (۱۳۷۹) تحلیل ساختار و نقوش سفالینه‌های پیش از تاریخ، مترجم: کامیار عبدی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال چهاردهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۲۸، نشر دانشگاهی، تهران. <https://www.magiran.com/volume/472>

#### Reference:

1. -Rewerski Jacek 1999 L'art des troglodytes, Paris, Arthaud.
2. Rice, Prudence 1996 Recent Ceramic Analysis: I. Function, Style, and Origins. Journal of Archaeological Research.
3. Sahragord, Mehdi, Shirazi, Ali Asghar 2014. The history of stylistics in the historiography of the art of the West, Kimyai Honar Quarterly, 3rd year, number 12, pages. 88-100
4. Sami Sardroudi, Mohammad 2004. Kandavan and its rock architecture, Journal of Social Sciences, Culture and People, summer 2004, number 1, pages. 25-33
5. Shahbazi, Hedayat, Mantazer, Farnaz, 2010. Rock architecture with organic texture and paradox in nature, Road and Construction Monthly, No. 71, pages. 51-70
6. Shekari Neiri, Javad 1994. Rock architecture in Azerbaijan and Zanjan, Journal of Architecture and Urban Planning, No. 22, pages. 19-35
7. Shekari Niri, Javad 2006. Imamzadeh Masoum Verjovi Maragheh of the Iranian temple of love worship and signs in European temples, Journal of Iranian Studies, Shahid Bahonar Center for Research in Iranian Language Culture, Kerman, 5th year, 10th issue, pages. 109-125.

## کارکرد آلازنگی در افسانه‌های بختیاری

(بر اساس نگاهی به نظریه‌ی ولادیمیر پراپ)

زیبا علیخانی\*

### چکیده

آلازنگی در افسانه‌های بختیاری موجودی است که همچون دیو، غول و اهریمن است. تاکنون در مورد این موجود افسانه‌ای پژوهش مستقلی انجام نشده است. از آنجایی که افسانه‌ها بخشی از فرهنگ عامیانه‌ی مردم را تشکیل می‌دهند برای دستیابی به خصوصیات آلازنگی و نقش او در افسانه‌ها از منظر روایت‌شناسی و براساس نظریه‌پرداز روس، ولادیمیر پراپ، با جست‌وجو در افسانه‌های بختیاری به بررسی خویشکاری‌های آلازنگی پرداخته شده است. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و بررسی آنها از روش اسنادی با رویکرد توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در این پژوهش ۳۰۹ افسانه‌ی بختیاری بررسی شده است که در یازده افسانه، آلازنگی و در چهارده افسانه، دیو حضور دارد. کارکرد و خویشکاری‌های آلازنگی در این یازده افسانه‌ی بختیاری بررسی شده است. از نظر صفات ظاهری نیز آلازنگی موجودی تنومند، ترسناک، زشت، غول پیکر با چهره‌ای سیاه است. از دیگر صفات او: آدمخوار، بوی آدمیزاد را می‌فهمد، ثروتمند، کلک‌باز، دروغگو، ترسو، ساده‌ لوح و ابله است اما با دنبال کردن رد آتش یا عدس یا خرما، قهرمان را پیدا می‌کند. شخصیت آلازنگی علاوه بر نقش شریر، در نقش شخصیت عطاگر یا بخشنده نیز حضور دارد. او کمک می‌کند تا قهرمان به خواسته‌اش برسد. در چهار افسانه‌ی دختر ماه پیشونی و دختر زشت پیشونی، اقبال خوسیده، تنبل یا زردآلو و سه برادر او در نقش بخشنده است در بقیه‌ی افسانه‌ها در نقش شریر است. خویشکاری‌های آلازنگی در نقش شریر طبق الگوی پراپ در افسانه‌های بختیاری همخوانی دارد.